

محمد ، اسلام و تروریسم^۱

Muhammad, Islam, & Terrorism



رسول الله گفت : من پیروزی های خود را مدیون ترور هستم^۲...

www.muhammadanism.org
May 12, 2005
Farsi



سر فصلها:

مقدمه

اشارات

رفتار و تعالیم محمد

اولین فعالیت های تروریستی محمد

کشتار یهودیان

بازنگری

توضیحات

اطلاعات بیشتر

خلاصه

سوالات

تروریسم در قران

ترور مسلمانانی که از اسلام برگشته بودند

متاخرین مسلمان و نوشته های آنان بر مبنای اسلام و ترور

تروریسم اسلامی در جهان امروز

نتیجه

¹ Edited and published with the author's permission. This article was written a number of years before the September 11, 2001. It remains current today

²Al-Bukhari, *The Translation of the Meaning of Sahih Al-Bukhari*, Translated by M.M. Khan, Dar AHYA Us-Sunnah, Al Nabawiya, (Arabic & English), Vol. IV, Book LII. *Jihad* (Fighting for Allah's Cause), Chapter 122 No. 220, p. 140

مقدمه:

فعالیت‌های گروه‌های تروریست اسلامی در جهان امریست کاملاً شناخته شده . تروریست‌های اسلامی در فعالیت‌های نظیر بمب گذاری در اماکن عمومی ، هواپیما ها و وسایل نقلیه ، شرکت فعال دارند و در طول بیست سال گذشته مسلمانان تروریست ده ها هزار مرد و زن و کودک را در نقاط مختلف جهان از جمله کنیا ، سودان ، الجزایر، مصر ، ایران ، فرانسه ، نیجریه ، امریکای شمالی و جنوبی قتل عام نموده اند . افراد یاد شده به تمامی کسانی که ممکن است برای آنان خطری بالقوه محسوب شوند ، حمله کرده و آنان را از بین برده اند. یک بررسی اجمالی نشان میدهد که گردانندگان اکثر سایتهای اینترنتی که توجه به مسائل تروریستی دارند ، دارای خلق و خوی اسلامی میباشند^۳ .

این گروه‌های اسلامی که هستند ؟ چگونه است که این گروه‌ها ، قتل عام مردم را با ارزشهای اسلامی توجیه میکنند ؟ آیا تروریسم و کشتار در اسلام جایز شمرده شده است ؟

این مقاله سعی بر آن دارد که ریشه های تروریسم را در اسلام جستجو نماید و ابتدا تحقیق خود را از محمد شروع میکنیم و آموزه های او و عملکردش را مورد بررسی قرار میدهیم ، سپس نگاهی خواهیم انداخت بر شیوه تفکر سایر مسلمین و در کل ، اساس تئوری تروریسم در اسلام را مورد کاوش قرار خواهیم داد.

اشارات:

۱- این مقاله بر آن است که انگیزه ها و عملکرد تروریست را مورد بررسی قرار دهد . قتل در تمام جوامع وجود دارد اما هر قتلی ، ترور نیست . در اینجا تمرکز ما بر فعالیت‌های خشونت آمیزی است که مسلمین در نام اسلام

³ National Memorial Institute for the Prevention of Terrorism, Significant Terrorist Incidents, 1961-2003: A Brief Chronology, Patterns of Global Terrorism, Terrorist Attacks (within the United States or against Americans abroad), US admits rise in terror attacks, U.S. raises figures for 2003 terrorist attacks, Tracking The Threat

انجام میدهند . بعموان مثال چند سال پیش در مصر ، یک مرد مسلمان ، زنی آمریکائی را به قتل رساند ، او را کشت و دارائیش را به سرقت برد پس انگیزه او سود جوئی بود و این ارتباطی با مسلمان بودن قاتل نداشت . بنابر این چنین عملی تروریسم محسوب نمیشود . اما انگیزه مسلمانانی که در بمب گذاری کشورهای چون تانزانیا و نیویورک شرکت داشتند و صد ها بیگناه را بقتل رسانیدند ، این بود که آنها احساس میکردند با دشمنان اسلام در جنگند و این کار را با تأیید "الله" انجام میدادند . این عملکرد نمونه بارزی از تروریسم اسلامی است . به علاوه گروههای مختلف تروریستی دیگری نیز وجود دارند که دست به اعمال خشونت آمیز میزنند ، از قبیل تروریست های سیاسی در امریکای جنوبی ، تروریستهای که پزشکانی را که نسبت به سقط جنین اقدام میکنند را به قتل میرسانند ، کمونیستهای تروریست ، کاپیتالیست های تروریست ، دست راستی های تروریست ، دست چپی های تروریست و غیره . در امریکا گروههایی هستند که در خیابانها دست به عملیات تروریستی میزنند اما هدف اصلی این مقاله بررسی آموزه ها و عملکرد های محمد است به عبارت دیگر تاکید ما در اینجا بر مسلمین است و آنانی که به دستور الله دست به خشونت و ترور میزنند پس خوانندگان توجه داشته باشند که تعداد بسیاری از گروههای تروریست غیر مسلمان در جهان مشغول فعالیت هستند و آنها نیز به اندازه مسلمین تروریست مورد تقیبه میباشند .

۲- تروریست کسی است که در عملیات تروریستی شرکت میجوید و با عملیان قهر آمیز ، افراد و انجمن ها و دولتها را مجبور به قبول خواسته های خود میکند و برای اعمال خود توجیه سیاسی و یا اعتقادی دارد .

آموزه ها و عملکرد محمد:

شاید بتوان ادعا کرد هنگامیکه محمد ، ترویج اسلام را آغاز نمود ، عملکردی شبیه عیسی و یا گاندی را در پیش گرفت و بخاطر ترویج تفکرش مورد آزار

نیز واقع شد. بعضی از پیروان او مورد شکنجه قرار گرفتند و روزگار برای او و اندک یارانش به سختی میگذشت و به همین دلیل او تعدادی از یارانش را راهی حبشه (اتیوپی) نمود و نهایتاً او و یارانش به سمت شمال مهاجرت کردند و به شهری که در آن روزگار یثرب (مدینه) نامیده میشد. شهری که اعضا دوقبیله ساکن در آن (اوس و خزرج) به محمد گرویده بودند.

رسول فرمان جنگ را دریافت میکند:

محمد قبل از بیعت با پیروانش در مدینه، مجاز به جنگ و خونریزی نبود بلکه فقط به او فرمان داده شده بود که مردم را به خدا فرا خواند و توهین ها را تحمل نماید و نادیده بگیرد و ببخشد. قبیله قریش یعنی گروه حاکم بر مکه پیروان او را آزار و اذیت کرده بودند و برخی را نیز اغوا نموده بودند که دست از دینشان بردارند و یا بدرفتاری را تحمل نمایند و یا از کشور بگریزند پس برخی به حبشه مهاجرت کردند و گروهی به مدینه رفتند. هنگامیکه قریش گستاخ شد و خدای او را رد کرده و رسولش را پیامبر دروغین خواندند، خدای محمد به او اجازه داد که جنگ را علیه کسانی که او را باطل میدانستند آغاز کند. اولین آیاتی که در ارتباط با جنگ نازل شد آیات ۳۹ تا ۴۱ سوره حج میباشد. بدین مفهوم که به آنها اجازه میدهم بجنگند فقط به این خاطر که مورد بی احترامی واقع شدند و مورد رفتار غیر منصفانه قرار گرفته اند. پس از فرمان نماز و زکات و پس از آنکه رسول و همراهانش قدرتی گرفتند آیه ۱۹۳ سوره بقره نازل شد که با آنان بجنگید (بکشید) تا بیش از این در گمراهی نمانند تا هیچ مومنی از دینش گمراه نگردد تا فقط الله به تنهایی پرستیده شود^۴. اما به دو نکته باید در اینجا انتقاد نمود:

⁴ Ibn Ishaq, *The Life of Muhammad: A Translation of Ishaq's Sirat Rasul Allah*, Translated by A. Guillaume, Oxford University Press, Oxford, England, (Re-issued in Karachi, Pakistan, 1967, 13th impression, 1998) 1955, p.212-213.

۱- در مکه هنگامیکه محمد ضعیف بود به هیچکس حمله نکرد او فقط به قریش تبلیغ میکرد اما به محض آنکه در مدینه عده ای مسلح او را حمایت کردند آیه نازل شد که برای پیشبرد آرزوهایش استفاده از خشونت را آغاز نماید. تاریخ اسلام نشان میدهد که هرگاه مسلمین قدرت گرفته اند شکل خشونت آنان تغییر یافته و از ترور های پنهانی به جنگهای آشکار دست زده اند.

۲- در قسمت آخر این آیه گفته شده است که مسلمین باید بجنگند با آنهایی که الله را نمپرستند. محمدی که در مکه مدارا میکرد حالا میخواهد بجنگد و دیگران را به قتل برساند آنها صرفاً به خاطر اینکه خدای او را نمپرستند. محمد و پیروانش قبلاً در مکه تحت فشار و اذیت قرار گرفته بودند و پس از خروج مکه و قبل از بیعت با اهل مدینه محمد در سفری به طائف تلاش کرد^۵ که برای خود یارگیری نماید اما شکست خورد و اهل طائف او را مسخره کردند و از خود راندند^۶ و حال این مجوز جنگ عکس العملی است دفاعی بر آنچه گذشته بود و نوعی اعاده حیثیت از نوع خشن آن و یا در یک کلام انتقام. محمد در مکه ادعای پیامبری کرده بود و تحت آزار و اذیت قرار گرفته بود ولی هرگز آیه ای برای جنگ دریافت نکرده بود، سرانجام او در مدینه فرصتی به چنگ آورد و گروهی عرب ستیزه جو او را به عنوان سرکرده و پیامبر خودشان پذیرفته بودند و با او بیعت نمودند که در جنگ علیه قریش او را حمایت نمایند^۷. حال محمد فهمیده بود که قدرتی دارد و طرفدارانش را مسلح کرده بود که ناگهان آیه ای از الله نازل شد که بجنگید. شرایط محمد تغییر کرده بود و الله محمد هم با او تغییر

⁵ *Ibid.*, p. 192.

⁶ *Ibid.*, p. 194.

⁷ *Ibid.*, p. 205.

میکرد و محمد از یک جنگجوی ساده به یک جنگ طلب مهاجم تبدیل شده بود.

اولین عملیات تروریستی محمد:

بعد از رفتن به مدینه ، محمد ناسازگاری و ستیزه جوئی با یهودیان و مشرکانی که در آن ناحیه بودند ، آغاز کرد و چندین واقعه تاریخی از عملیات تروریستی محمد حکایت میکند. اولین فرمان تروریستی او چنین حادث شد: هر یهودی را که بر او مسلط شدید ، بکشید . پیامبر گفت : بکشید هر یهودی را که به چنگتان افتاد بنابر این یک تاجر یهودی به نام سوناینا که با آنان مراوده داشت ترور شد . برادر قاتل از این عمل ناراحت شده و گفت ای دشمن خدا ، او را کشتی ؟ پهلوی تو ار قبل ثروت او چرب شده بود و قاتل پاسخ داد اگر کسی که به من دستور داد که او را بکشم ، دستور میداد که تو را نیز بکشم ، حتماً اینکار را می‌کردم.⁸ این حادثه در کتاب سنن ابو داود جلد ۱۳ شرح داده شده است. این جنایات تحت فرمان مستقیم محمد رخ میداد توجه داشته باشید که قاتل مدعی است که حتی حاضر است خانواده خود را نیز بر اساس فرمان محمد بکشد.⁹ محمد از رئیس وحشی و خونریز یک باند جنایتکار بهتر نبود . به مردانش شرورانه دستور میداد تا یهودیان را بکشند ، هیتلر هم چنین میکرد و صربها نیز علیه مسلمانان کوزوو چنین میکردند ، پس فرمان به ترور محمد را در ردیف هیتلر ومیلاسویچ و امثال آنها قرار میدهد. نقل قول زیر از قول یک محقق اسلامی است ، او مینویسد : جالب توجه است که ظالمانه ترین اعمال محمد مثل محاصره قاینقا ، کشتن کعب و حمله به قریظه به خداوند نسبت داده میشود و به نظر میرسد که وجدان الله بیشتر از مخلوقش قابل ارتجاع است¹⁰ . به گزارش ابن اسحق صبح همان شبی که آن یهودی (کعب اشرف) ترور شد ، پیامبر گفت بکشید هر یهودی را که بدستتان رسید .

⁸ *Ibid.*, p. 369.

⁹ Dawud, Imam Abu, *Sunan Abu Dawud: English Translations with Explanatory Notes* by Prof. Ahmad Hasan, Sh. Muhammad Ashraf Publications, Lahore, Pakistan, First Edition 1984 (Reprinted 1996), Vol. II, Book XIII, Chapter 1110, No. 2996, p. 850.

¹⁰ Wensinck, Arent J., *Muhammad and the Jews of Medina*, K. Schwarz, Freiburg im Breisgau, Germany, 1975, p. 113.

این حادثه در جلد هفتم تاریخ طبری نیز ذکر گردیده^{۱۱} و این قضیه نشان می‌دهد که محمد کسانی را داشته است که یهودیانی را که حتی روابط خوبی با مسلمین داشتند با کمال خونسردی و بدون هیچ محاکمه‌ای و فقط به این دلیل که یهودی بوده‌اند به قتل رسانند. علت و دلیل وقوع این اعمال جنایتکارانه صرفاً اطاعت از فرامین مستقیم محمد بود.

دومین حادثه تروریستی بر پایه درخواست دیگر محمد روی داد او از یکی از مردانش خواست پیرمردی را به قتل برساند که ۱۲۰ سال عمر داشت و مردم را علیه محمد تحریک مینمود و اشعاری تمسخر آمیز علیه او میسرود. سلیم ابن عمیر که یکی از افراد مسلح بود و در جنگ بدر نیز شرکت داشت سوگند یاد کرد که ابوفاک را بکشد یا قبل از او بمیرد^{۱۲}. او صبر کرد تا فرصتی مناسب پیش آید تا اینکه در یک شب گرم که ابوفاک در فضای باز خوابیده بود سلیم، شمشیرش را در شکم او فرو کرد^{۱۳} آنچنان که شمشیر از طرف دیگر به رختخوابش رسید، دشمن الله فریاد زد و مردمی را که طرفدار او بودند آمدند و او را بردند و دفن نمودند.

یک محقق معاصر به نام علی دشتی در کتابش به نام ۲۳ سال که تحقیقی است راجع به کارهای پیامبر میگوید: ابوفاک پیرمرد سالخورده ۱۲۰ ساله‌ای بود که محمد را مورد انتقاد و تمسخر قرار میداد و صرفاً به این دلیل محمد فرمان قتل او را صادر کرد. ترور به دست سلیم انجام شده بود و به فرمان محمد که سوال کرده بود چه کسی بخاطر من حساب این مرد را میرسد^{۱۴}؟ قتل این فرد انگیزه‌ای شد برای شاعره‌ای به نام اسما دختر مروان تا شعرهایی علیه محمد بسراید که او نیز ترور شد. علی دشتی میافزاید: همچنان که اسلام به تدریج تغییر شکل میداد از ابلاغ یک پیام روحانی صرف به یک سازمان نظامی بدل شد و پیشرفت آن وابسته بود به غنائم جنگی که از تاخت و

¹¹ Tabari (838? – 923), Vol. VII, *The Foundation of the Community: Muhammad at Al-Madina, A.D. 622–626/Hijrah–4 A.H.*, In series: *The History of al-Tabari (Ta'rikh al-rusul wa'l-muluk)*, Translated and annotated by W. Montgomery Watt and M.V. McDonald, SUNY Series in Near Eastern Studies, Bibliotheca Persica, State University of New York Press, Albany, New York, 1987, p. 97-98.

¹² *Op. cit.*, Ibn Ishaq, p. 675.

¹³ Ibn Sa'd (A.H. 168-230), *Kitab al-Tabaqat al-Kabir*, translated by S.M. Haq & H.K. Ghazanfar, Kitab Bhavan, New Delhi, India, 1972, Vol II, p. 31.

¹⁴ Dashti, 'Ali, 23 Years: A Study of the Prophetic Career of Mohammad, Translated by F.R.C. Bagley, Mazda Publishers, Costa Mesa, CA, 1994, p. 100

تاز هایش حاصل میشد و درآمد های مالیاتی که از زکات به چنگ میامد^{۱۵}. با بررسی دوباره قتل این پیرمرد ۱۲۰ ساله میبینیم که او هیچ برخورد فیزیکی با محمد نداشته و مردم را نیز ترغیب و تشویق به اعمال خشونت آمیز نکرده بود هیچ بحثی هم بین آنان در نگرفته بود، او صرفاً به مردم هشدار میداد که به دیده شک به محمد بنگرند و او را ترک گویند، او دریافته بود که سخنان محمد دیکتاتور مابانه است او همواره عربهایی را که فریب محمد را خورده بودند مورد نکوهش قرار میداد و محمد این را شنیده بود. افاک هرگز یاران خود را تشویق به حمله به محمد نکرده بود بلکه فقط عقیده خود را راجع به او بیان کرده بود و محمد فرمان قتل او را صادر کرد به این دلیل که مثل او فکر نمیکرد. این واقعه در آخرین بیت یکی از اشعار اماما نیز به چشم میخورد که میگوید چه ترا یک مرد کشته باشد یا یک جن، میدانم که این واقعه در یک شب رخ داد.. این اظهار نشان میدهد که مسلمین دقیقاً میدانستند که چه کردند. جنایاتی که در کمال خونسردی تحت فرمان محمد انجام میشد ولی سعی میکردند این اعمال شیطانی را از جامعه پنهان نگه دارند. یاد آوری چنین اعمال جنایتکارانه انسان را به یاد جانیان معاصری چون صدام حسین میاندازد که چطور با عراقیانی که نسبت به او انتقاد داشتند رفتار مینمود. به گزارش سازمان عفو بین الملل در رژیم صدام سالانه ۱۵۰۰ زندانی سیاسی اعدام میشدند. و همچنین رژیم ارتجاعی آیت الله خمینی و خلف او آیت الله خامنه ای تعداد بسیاری از شهروندان خود را در داخل و خارج از کشور به قتل رساندند. این جنایات و ترورهای سیاسی چهره محمد را ترسیم میکند. آنها روش محمد را در پیش دارند که شعار آن این است: بکش همه انهایی را که قدرت و اعتبار تو را تهدید میکنند.

سومین تروری که مردان محمد به دستور او انجام دادند قتل اسما دختر مروان بود. عمیر ابن ادیس مامور شد تا اسما را ترور کند. هنگامیکه افاک به قتل رسید اسما انزجار خود را از این عمل جنایتکارانه بوسیله سرودن اشعاری ابراز کرده بود که از غریبه ای اطاعت کرده و خویشان خود را به قتل رسانده است^{۱۶}. هنگامیکه محمد شنید

¹⁵ *Ibid.*, p. 97.

¹⁶ Two tribes of Yamani origin.

که اسما چه گفته است گفت: کیست که مرا از شر دختر مروان خلاص کند؟ عمیر ابن ادیس که آنجا بود همان شب به خانه آن شاعر رفت و او را کشت. صبح نزد رسول آمد و گفت که چه کرده است. محمد گفت تو به الله و رسول کمک کرده ای. قاتل به میان خویشان خود رفت و اعلام کرد که اسما را کشته است و در حالیکه رجز میخواند گفت: هرکس میتواند بیاید و جلوی من بایستد... ابن اسحق در کتاب الطبقات الکبیر^{۱۷} جریان ترور اسما را شرح میدهد که او پنج فرزند داشت و در شب جنایت بچه شیر خواره اش در آغوش خوابیده بود، قاتل با شمشیر بچه را از مادر جدا میکند و او را به قتل میرساند. و رسول الله از چنین جنایتی شاد میشود و او را تشویق میکند.^{۱۸}

توضیحات:

محمد حریت ابن سویت را میکشد و این جنایت ابو افاک را غمگین میکند و او علیه این قتل سخن میگوید، محمد دستور ترور او را نیز صادر میکند این جنایت روح لطیف شاعره ای را آزرده میکند و شعری علیه آن میسراید، محمد میشنود و یکی از آدمکشهای اطرافش را میفرستد و بچه شیر خوار را از بقل او جدا میکند و شمشیرش را به سینه اسما فرو میکند بگونه ای که به تشک دوخته میشود. در یک نظر اجمالی ممکن است قتل اسما اینگونه توجیه شود که او خواسته بود که کسی محمد را بکشد اما اگر نگاهی دقیقتر به حادثه ببیندازیم و رابطه اسما و قبیله اش را مورد بررسی قرار دهیم متوجه خواهیم شد که اولاً اسما عملکرد محمد را مشاهده کرده بود و دیده بود که او کسی است که در کمال خونسردی دستور جنایت صادر میکند پس نمیتوان او را سرزنش کرد که چرا علیه جنایت و جنایتکار سخن گفته است ثانیاً قبیله اسما با محمد بیعت نکرده بود لذا تحت امر او نبودند پس این زن آزاد بود که حرف خود را بگوید. بعلاوه اگر پیمانی بین محمد و قبیله اسما بسته میشد و محمد احساس میکرد که اسما مفاد پیمان را نقض کرده است میتواندست به سران قبیله تذکر دهد و آنان به اسما میگفتند که یا باید ساکت شود و یا تبعات سخن گفتنش را تحمل کند به هر حال مشخص است

¹⁷ *Op. cit.*, Ibn Ishaq, p. 675-676.

¹⁸ *Op. cit.*, Ibn Sa'd, p. 30-31.

که محمد قصاص قبل از جنایت کرده بود. نکته حائر اهمیت در قتل اسما این بود که محمد گفت کسی به قتل او توجه نخواهد کرد اما نکته اینجاست که اگر کسی به قتل او توجهی نمیکرد چگونه ممکن بود که به سخنانش توجه نمایند ، پس چطور میتوان توجیه کرد که شعر های اسما برای محمد خطر جانی داشته است .همین مردم میدانستند که محمد ابو افاک را کشته بود و آنها هیچ اهمیتی به قتل او نداده بودند بنابر این چگونه ممکن بود بنخاطر حرفهای اسما محمد را بکشند که سرکرده یک گروه مسلح آدم کش بود ، هیچکس حاضر نبود جان خود را روی این حرفها بگذارد و بالاخره اینکه اسما دختر مروان رفتاری غیر قانونی و نا مشروع با محمد نداشت زیرا حتی او را نترسانده بود چون اسما در مقام رهبری قبیله نبود که اوامرش لازم الاجرا باشد او فاقد قدرت اجرائی لازم برای کشتن محمد بود نفوذ چندانی هم نداشت و این واقعیت از سخنان پیش از قتل او مشخص میشود در نتیجه اسما قدرت آزار و اذیت رساندن به کسی را نداشت . سوالی که مطرح است در ارتباط با قتل اسما و سایر قربانیان محمد این است که چرا محمد خودش آنها را نمیکشت و پاسخ این است که برای او راحتتر بود دیگران را بفرستد تا مخالفان فکری او را ترور کنند و خودش را به زحمت نماینداخت . در خاورمیانه هستند مردمیکه آمریکا را شیطان بزرگ میخوانند و همواره نعره کشان مرگ بر امریکا میگویند و یا همین جماعات شعار مرگ بر فلان رئیس جمهور را سر میدهند و در همان حال در عملیات جنایتکارانه شرکت جسته و آمریکائی ها را ترور میکنند و یا سر میبرند حالا اینان بایستی به یک سوال پاسخ دهند و آن اینکه اگر امریکا و یا رئیس جمهور آن تصمیم بگیرند بر طبق استانداردهای اخلاقی و عملی محمد (سیره نبی) رفتار کنند چه اتفاقی میافتد ؟ پاسخ روشن است بایستی میلیونها مسلمان را بکشند چون به امریکا انتقاد کرده اند زیرا روش محمد در برخورد با منتقدان خود چنین بود اما ما میدانیم که نبایستی علیه توده های تحریک شده عصبانی مقلد و متعصب ضرورتاً خشونتی اعمال گردد زیرا فرهنگ و تمدن و حقوق بشر و دموکراسی راههای بهتری را برای مواجهه با منتقدان و انتقاد میاموزد . در گذر از دوره جوانی آدمیان سخنانی میگویند که نه قصد انجام آنها دارند و نه توانش را باید به مردم فرصت داد و زمان خیلی چیز ها را تغییر میدهد وقتی مردم فرصت داشته باشند که بیاندیشند ، ببینند و

تجربه کنند و مهمتر از همه در دیالوگهای صلح آمیز به واقعیت‌های پی میبرند که از آنها دریغ شده است آنوقت تغییر میکنند و دیدگاهها عوض میشود . اما اگر امریکا بخواهد از الگوی محمد پیروی کند باید تهران را از طریق بمباران نابود کند و اسرائیل نیز باید صدها هزار عرب را بکشد .

شواهدی بیشتر:

۱- آنچه که باعث هشدار بشر نسبت به اسلام میشود تمایل آن است به سمت و سوی خشونت و استفاده از خشونت به عنوان اراده خداوند ، اکنون مسلمانانی هستند که فرامین تروریستی محمد را اطاعت کنند و در سیاهی شب ، شیرانه به منزل زنی میروند در حالی که او در بسترش همراه با کودکان خود خوابیده است و خنجر اسلام را در قلبش فرو میکنند . پس از وقوع جنایت ، محمد به قاتل اسما گفت : تو به الله و رسول او کمک کرده ای . آیا واقعاً خداوند نیاز دارد که کسی با استفاده از سیاهی شب وارد خانه زنی بی دفاع شود و در خواب او را به قتل برساند ؟

۲- واقعاً اسلام چگونه مذهبی است ؟ قاتل اسما پس از جنایت به خانه مقتول میرود و بچه ها را مسخره میکند و با لبخند میگوید من مادر شما را کشته ام و شما هیچ کار نمیتوانید بکنید .

۳- سرانجام نگاه کنید به منبع قدرت اسلام : مورخین اسلامی نوشته اند : و ان روز (روز قتل اسما) ، آغاز قدرت گرفتن اسلام بود . **قدرت بر پایه ارباب ، ترور و ایجاد وحشت .** قدرت اسلام در کشتن زنی بی دفاع در خواب است ، فقط کسانی که خود جنایتکارند میتوانند به چنین دینی احترام بگذارند . ما میدانیم که آدمهای خوب و بد در هر دینی یافت میشوند . این قضیه خیلی متفاوت است زیرا صحبت از جنایتکاریست که اسلام را آغاز کرد. **اسلام با سخنان محمد و اعمال او ساخته شد ،** همو که جنایت را تحسین میکرد چون قربانیان این جنایات ، منتقدان او بودند .

چهارمین حادثه مربوط میشود به مرد مسلمانی که برده خود را میکشد . شرح ماجرا را در سنن ابوداور میخوانیم : (۴۳۴۸) ابن عباس نقل میکند که بزرگواری بود و کنیزی داشت که محمد توهین میکرد و او کنیز را منع کرده بود که چنین نکند اما کنیز دست از این عادت بر نداشت و به رسول الله توهین میکرد ، یک شب آن کنیز شروع به بدگوئی از محمد کرد بنابر این او خنجرش را برداشت و در شکم زن فرو برد و او را کشت . در همان حال بچه اش به سمت مادر دوید و در بین پاهای او قرار گرفت و آغشته به خون شد . صبح پیامبر مطلع شد ، مردم را جمع کرد و سپس گفت : سوگند به الله میدهم و به حق خودم قسم میدهم که مردیکه اینکار را انجام داده بلند شود بایستد . او جلوی پیامبر ایستاد و در حالیکه میلرزید گفت : من ارباب او هستم ، او عادت داشت که به شما توهین کند و ماسزا گوید ، من او را منع کردم ولی باز نایستاد ، ملامتش کردم ولی این عادت خود را ترک نکرد ، من از او دو پسر مثل مروارید دارم و او رفیق من بود دیشب او به شما ناسزا گفت پس من خنجر را برداشتم و در شکم او فرو کردم و فشار دادم تا کشته شد ، سپس رسول الله گفت : شاهد باشید ، هیچ قصاصی برای خون او نیست^{۱۹} . در اینجا میبینیم که محمد به مردم اجازه میدهد که دیگران را به قتل برسانند ، فقط بخاطر توهین به او . در این مورد یک زن کنیز از طرف اربابش مورد استفاده قرار میگرفت و بخاطر انتقاد از محمد جاننش را از دست داد. توجه کنید که این مرد مادر دو فرزند خود را به قتل رساند ، یک زن برده محمد را تمسخر کرد و وحشیانه کشته شد و این عمل از سوی محمد تأیید شد . حال آیا یک برده زن تهدیدی به حساب میاید ؟ آیا مسلمانان بخاطر انتقادات یک زن برده اسلام را ترک میکردند ؟ البته که نه ! محمد دیگر هیچ انتقاد شخصی را تحمل نمیکرد . او نمیخواست اعتبارش به چالش کشیده شود ، پس به پیروانش اجازه داد که هرکه را که عقاید دیگری بیان میکند به قتل برسانند . به هر حال قبل از ادامه به حثشیه مهم سنن ابو داود (

¹⁹ Dawud, Imam Abu, *Sunan Abu Dawud: English Translations with Explanatory Notes* by Prof. Ahmad Hasan, Sh. Muhamad Ashraf Publications, Lahore, Pakistan, First Edition 1984 (Reprinted 1996), Vol. III, Book XXXIII, Chapter 1606, No. 4348, p. 1214-1215

صفحه ۱۲) توجه کنید. این نشان می‌دهد که حتی اگر یک یهودی یا غیر مسلمان به پیغمبر دشنام دهد کشته خواهد شد. از الیث الشریفی، احمد و اسحق ملیک و العوضی در دست است که توهین به پیامبر مصداق ارتداد است. از مسلمان باید خواسته شود که توبه کند و اگر خودداری نمود باید کشته شود.^{۲۰}

وقتی عیسی مسیح به پیروانش گفت که آنان باید از خانواده خود و حتی از زندگی خودشان بیزار باشند تا او را پیروی کنند، هرکسی میدانست که منظور او در مقایسه با علاقه آنان نسبت به عیسی مسیح بود بعلاوه مسیح به مردم فرمان میداد که به پدر و مادر خود احترام بگذارند و دشمن خود را دوست بدارند ولی محمد پیروانش را تشویق میکرد که حتی اعضا خانواده خود را به قتل برسانند. واقعه پنجم مربوط به مرد مسلمان دیگری است به نام عمروامید که از سوی محمد برای قتل ابوسفیان دشمن محمد فرستاده شد^{۲۱} به هر حال ترور نا فرجام بود وقتی به خانه برگشت با یک چوپان یک چشم مواجه شد و معلوم شد که چوپان و مرد مسلمان هر دو اهل یک قبیله اند، قبل از خواب چوپان گفت که هرگز مسلمان نخواهد شد عمرو صبر کرد تا چوپان بخواب برود و بعد از آنکه او بخواب رفت برخاست و او را کشت. به وحشتناکترین راهی که یک انسان کشته شده است. ته کمانش را داخل چشم سالم او فرو کرد و آنقدر فشار داد تا از پشت گردنش در آمد^{۲۲} (ص ۶۷۴، ابن اسحق). امیه برگشت و با محمد صحبت کرد، او گزارش داد:

او (محمد) پرسید چه خبر دارم، وقتی به او گفتم چه اتفاقی افتاد او مرا برکت داد^{۲۳} (ابن اسحق صفحه ۶۷۵).

²⁰ *Op. cit.*, Abu Dawud, Note 3800, p. 1215.

²¹ *Op. cit.*, Ibn Ishaq, p. 673

²² *Op. cit.*, Ibn Ishaq, p. 674

²³ *Op. cit.*, Ibn Ishaq, p. 675

پس محمد یکی از مردانش را که چوپان را به قتل رسانیده بود برکت داد و آن چوپان هم یکی دیگر از افرادی بود که به نام اسلام به قتل رسید و همچنان قتل‌های دنباله دار محمد رو به فزونی بود.

واقعه ششم شامل عملیات مسلمانانی میشود که از طرف محمد برای حمله به قبیله فزاره فرستاده شده بودند. قبیله فزاره اول مسلمانان را شکست دادند. فرمانده مسلمانان زخمی شد و سوگند خورد که انتقام بگیرد. پس از آنکه بهبود یافت برخاست و دوباره به فزاره حمله کرد و یک زن سالخورده اسیر شد، نقل واقعه چنین است:

... و فاطمه ام قرفه دستگیر شد. او زن خیلی پیری بود همچنین همسر ملیک و دخترش و عبدالله سعد هم اسیر شدند. زید به قیس دستور داد که ام قرفه را بکشد و او وحشیانه او را کشت (طبری: دو پایش را به دو شتر بست و کشید تا وقتی که به دو پاره شد)^{۲۴} (ابن اسحق صفحه ۶۵۵). این مردان مسلمان آنقدر از ارزشهای انسانی به دور بودند که یک پیرزن را با استفاده از شتر به دو نیم کردند. انسان وقتی اعمال وحشتناکی که صربها انجام میدادند را میشوند متغیر میشود ولی نمیدانم چه تعدادی از مسلمانان همیتقدر از اعمال سبعانه محمد متغیر خواهند شد.

واقعه هفتم مربوط به زن برده دیگری است که به دستور محمد کشته شد چون او را مورد تمسخر قرار داده بود. مقتول دیگر عبدالله ختال از بنی قلیب بود. او مسلمان شده بود و پیغمبر او را همراه یکی از انصار برای جمع آوری مالیات فرستاده بود. او برده آزاد شده ای با خود داشت که خدمتش میکرد و او هم مسلمان شده بود. وقتی توقف کردند به خادمش دستور داد که بزی بکشد و غذایی تهیه کند و رفت که بخوابد، وقتی بیدار شد دید که خدمتکار به وظیفه اش عمل نکرده پس حمله کرد و او را کشت و اعلام ارتداد کرد. او دو دختر خواننده داشت فرطانه و دوستش که اشعار هزلی برای محمد میخواندند، پس

²⁴ *Op. cit.*, Ibn Ishaq, p. 665.

محمد دستور داد که با او کشته شوند^{۲۵} (ابن اسحاق صفحه ۵۵۱ و ۵۵۰) بهتر است اندکی درنگ کرده و پاراگراف اخیر را مرور کنیم. مجدم دستور داد که مردی که مرتد شده بود با دو دختر برده اش کشته شوند. ختال بخاطر کشتن غلامش اعدام نشد بلکه بخاطر ارتداد اعدام گردید. قانون اسلام اجازه نمیدهد که یک مسلمان بخاطر کشتن نوکر خود اعدام شود. مجدم همچنین دستور داد دو دختر برده بخاطر خواندن هجو آمیز در وصف او کشته شوند. آنها احتمالاً یکی دو سال پیش یا حتی قبل از آن این اشعار را خوانده بودند اما اکنون پس از آنکه محمد مکه را فتح کرد زمان تلافی برای آن دختران فرا رسیده بود. این دختران تهدیدی برای اسلام یا برای حکومت جدید اسلامی نبودند. آنها فقط کنیز بودند و فرمان قتل آنها فقط بخاطر خواندن آوازی احمقانه صادر شد.

از دو دختر خوانده ابن ختال یکی کشته شد و دیگری فرار کرد تا اینکه با درخواست بخشش، پیغمبر او را بخشید^{۲۶}. نیاز به گفتن نیست که اگر دختر دوم نیز تقاضای بخشش نکرده بود، حتماً کشته میشد. چه احساسی میکنید وقتی گزارشاتی را میشنوید که صربها زنان بوسنی و کوزوو را به قتل میرساندند؟ محمد نیز دقیقاً همان جنایت را انجام میداد. یک مسلمان به محمد حق میدهد که کنیز را بکشد، پس به صربها هم میتوان حق داد که آن بلا را بر سر کوزوو بیاورند!

خلاصه:

میبینیم که محمد افراد زیادی را به قتل رساند. با تقاضا، با دستور مستقیم و یا دلالت کردن. محمد انسانهای زیادی را حتی در خواب به قتل رسانید. محاکمه، قضاوت، دادرسی یا گفتگوئی در کار نبود. اگر کسی به محمد توهین میکرد یا اعتبار او را مورد تردید قرار میداد، باید به قتل میرسید. مرد، زن، پیر و جوان همه بخاطر بیزاری محمد کشته میشدند و این خلاصه آن هفت ترور است که به درخواست یا تلاش محمد انجام شدند:

²⁵ *Op. cit.*, Ibn Ishaq, 550-551.

²⁶ *Op. cit.*, Ibn Ishaq, 551.

۱- ابن سوفیغه ، مرد یهودی که فقط بخاطر یهودی بودنش به قتل رسید .

۲- ابن افاک ، مرد ۱۲۰ ساله ای که در خواب به قتل رسید .

۳- اسما مروان و مادر پنج بچه که در خواب به قتل رسید .

۴- چوپانی که در خواب کشته شد.

۵- یک زن برده و مادر دو بچه که در خواب کشته شد.

۶- زن مسنی که در حمله مسلمانان اسیر شد و بوسیله شتر دوپاره شد.

۷- کنیزکی که کشته شد چون محمد را مسخره نموده بود.

انسانهای زیادی که چنین سرنوشتی را داشتند را میتوان به این لیست اضافه کرد ، اما جهت جلوگیری از تطویل کلام به همینجا بسنده میکنیم. خواننده توجه داشته باشد : محمد یک تروریست بود و مسلمانان تروریست امروزی اعمال او را پیروی میکنند.

سوالات:

۱- محمد چگونه انسانی بود ؟ او که یک مرد یهودی آرام ، یک پیرمرد ۱۲۰ ساله ، مادر پنج کودک و... را به کشتن داد ، چون مخالف او بودند یا به او انتقاد داشتند.

۲- آیا کشتن دیگران بدلیل مخالفت با شما یا حتی مسخره نمودنتان ، جایز است ؟ چرا محمد برخی انتقاد ها را نمیتوانست تحمل کند ؟ آیا مردمی که مخالف دیگرانند مستحق مرگ هستند؟ آنهم شبانه و در خواب ؟ پس سیاستمداران یا سازمانهایی را که اینگونه اعمال را انجام میدهند محکوم نکنید.

۳- آیا این اعمال شبیه مسلمانان تروریست امروزی نیست ، آنهایی که بطور ناقابل و مخفیانه دیگران را میکشند ؟

۴- آیا این ارزشهای اسلامی ، با ارزشهای عدالت و پارسائی سازگاری دارد؟ آیا امریکائی ها و اروپائی هائی که جنایات محمد را مورد انتقاد قرار میدهند

باید منتظر باشند که آزادی بیان آنان مورد تهدید قرار گیرد؟ و یا بخاطر گفتن حقیقت باید در ترس از کشته شدن زندگی کنند؟ بخاطر داشته باشید که مسلمانان بخاطر اسلام شروع به کشتن امریکائی ها کردند.

۵- استقرار سیستم محمد (کشتن مردمانی که از او انتقاد میکنند) چگونه بر جوامع اسلامی تاثیر گذاشته است؟ و بر آنچه که در کشور هائی چون الجزایر، ایران، افغانستان، پاکستان، مصر و سودان میبینیم چه نفوذی داشته است؟ ما میبینیم که تاثیر آن کشتار های وحشیانه، قتل و شکنجه و ... است که میلیونها مسلمان از آن رنج میبرند. چون از نظر سیاسی مسلمانان در آرزوی پیروی از نمونه محمد هستند که از هیچ جنایتی برای رسیدن به یک قدرت سیاسی بلامنازعه فرو گزار نکرد.

۶- اگر محمد امروز زنده بود و میدانستید که او انسانهای زیادی را کشته است، چه میگفتید؟ آیا نمیخواستید با چنین جنایتکاری، عادلانه رفتار شود، تمام عمر به زندان انداخته شده یا احتمالاً به عوض جنایاتش، زندگیش از او گرفته شود؟ چه کسی برای یک نژاد پرست سفید پوست محکوم به مرگ دلسوزی میکند که مرد سیاهپوستی را به ماشین بست و او را کشت؟ محمد مردی را شکنجه کرد و بعد به قتل رساند فقط به خاطر پول. مسلمانان به پیروی از روش زندگی محمد و قوانین اسلامی فرا خوانده میشوند و کشتن دیگران به نام الله قسمتی از روش و سبک اوست.

۷- آیا ما حق نداریم اعمال محمد را طبق استانداردهای اخلاقی، ارزشیابی کنیم؟ او ادعا کرد که آخرین پیامبر خداست. ادعا کرد که سیستم او آخرین مکاشفه خدا برای نوع انسان است. پس طبق استانداردهای اخلاقی، آنچه انجام داد اعمال پلید شیطانی نبود؟ از آنجا که استانداردهای اخلاقی، انسان جنایت را مشمئز کننده میابد، چگونه ادعای پیامبری او مورد قبول واقع میشود؟ چرا استانداردهای اخلاقی ما آن آخرین به اصطلاح پیامبر را تحت الشعاع قرار میدهد؟

۸- آیا این کاملاً شبیه آنچه صربها انجام دادند نبود؟ دیدیم که صربها برخی از شنیع ترین قساوتهای تاریخ را انجام دادند. محمد هم همان کارها را انجام داد. صربها مردم کوزوو را کشتند فقط به خاطر اینکه صرب نبودند و این کاملاً مشابه چیزی بود که محمد به پیروانش دستور داد، وقتیکه آنها را وادار کرد که یهودیان را بکشند. دیدیم که صربها اموال اهالی کوزوو را بردند و این دقیقاً همان چیزی است که محمد و یارانش انجام دادند وقتی که به قبایل مختلف حمله میکردند. دیدیم که صربها به زنان کوزوو تجاوز کردند و محمد نیز به سربازانش اجازه داد که به زنان اسیر تجاوز کنند. اگر محمد امروز زنده بود ما او را صرب یا نازی مینامیدیم!

۹- چرا محمد قربانیانش را خودش نمیکشت؟ چرا هر وقت محمد میخواست که کسی کشته شود، همیشه کس دیگری نیات پلید او را بجا میآورد؟

۱۰- به جنبه تاریک اسلام نگاه کنید. این اسلامی است که بوسیله محمد به اجرا در آمد. وقتی بنیانگذار یک دین یک زن را شبانه بخاطر مخالفت با او به قتل میرساند، این دین چگونه تعریف خواهد شد؟

۱۱- حقوق بشر در اسلام چه جایگاهی دارد؟ اگر محمد آزادی بیان را برای دیگران نفی نمیکرد روی اسلام و کشورهای اسلامی امروزی چه تاثیری میداشت؟

۱۲- چرا هر جا ملتهای مسلمان بنیادگرا تر هستند نسبت به حقوق بشر بی اعتنا تر میشوند؟ برای مثال طالبان را در نظر بگیرید که ابتدا با آزادی خواهی شروع کردند ولی وقتی قدرت را بدست گرفتند شروع به سرکوب توده ها و مخصوصاً زنان افغان نمودند. در ابتدا گفتند که این امر فقط بطور موقت است ولی بعد ادامه پیدا کرد. برای اطلاعات بیشتر میتوانید به وب سایت مشارکت زنان افغان (RAWA) مراجعه کنید.

تروريسم در قران:

محمد به پيروانش دستور داد كه طلم كنند يا بكشند غير مسلمين را . بطور علني به يهوديان و مسيحيان كه زنده بمانند ، به شرطي كه ماليات مخصوصي بپردازند . اين ماليات (جزيه) پولی بود كه به مسلمانان داده ميشد تا در آمدهائی را كه از طريق فعاليتهاي بت پرستي از دست داده بودند ، جبران نمايند . اگر يهوديان يا مسيحيان به اين اخاذی تن نمیدادند يا بايد مسلمان ميشدند و يا اينكه كشته ميشدند . غير يهوديان و غير مسيحيان نيز يا بايد مسلمان ميشدند و يا كشته ميشدند به عبارت ديگر آنها گزينه ای برای پرداخت جزيه نداشتند . طبق آيه ۱۱ سوره توبه مسلمانان توصيه شده بودند كه يهوديان و مسيحيان را آزار دهند . " با كسانيكه به الله اعتقاد ندارند بجنگيد . كسانيكه آنچه را كه الله و رسول او حرام کرده ، حرام نمیدانند و از دين حقيقي پيروي نميكنند (كه همانا اسلام است و تمام دينها را ملغی ميكنند) ، اهل كتاب (يهوديان و مسيحيان) تا وقتی كه با ظلت به اسلام جزيه دهند و خواهان تسليم باشند و خود را مغلوب حس كنند . دستور ذليل و خوار كردن يا كشتن يهوديان و مسيحيان در سوره توبه تشریح شده است . روشن است كه محمد به پيروانش دستور داد كه با يهوديان و مسيحيان بجنگند تا دينشان را عوض كنند يا باج بپردازند . به هر حال اگر به دين اسلام در نمی آمدند يا جزيه را نميپرداختند ، فكر ميكنيد كه محمد به پيروانش ميگفت كه اجاره دهند آنها زندگي آرامی داشته باشند ؟ موضوع بسيار روشن است : ديتتان را عوض كنيد يا با ذلت باج بپردازيد و يا كشته شويد . در كتاب زندگي محمد نوشته ابن اسحق نوشته شده است :

... تا وقتی كه آنان (يهوديان و مسيحيان) جزيه را با خضوع و خشوع بپردازند ، به عنوان جبران آنچه كه ميترسيد با بسته شدن بازارها از دست بدهيد ، خداوند برايشان جبران كرد^{۲۷} .

محمد به پيروانش دستور داد كه به يهوديان و مسيحيان حمله كنند ، اگر آنان خود را ذليلانه به محمد تسليم ميکردند ، ميبايد انتخاب ميکردند كه جزيه را

²⁷ *Op. cit.*, Ibn Ishaq, p. 620.

بپردازند و یا به اسلام گروند. یکبار دیگر میبینیم همانطور که شرایط محمد عوض میشد الله نیز تغییر شکل میداد. همچنین توجه کنید که مالیات وضع شده بر مسیحیان و یهودیان برای حمایت حکومت در جنبه های مدنی نبود بلکه صرفاً غرامت و تاوانی بود که میباید به مسلمانان پرداخت میشد. محمد دقیقاً شبیه رئیس مافیا عمل میکرد و دیگران را وادار مینمود که برای حفاظت از خود، پول بپردازند همچنین در سوره توبه آیه ۵ به مسلمانان دستور داده شده که پس از اتمام ماههای حرام بت پرستان را در هر جا که میابید به قتل برسانید. دستگیرشان کنید، محاصره شان کنید و همه جا در کمین آنان باشید و اگر توبه کردند و نماز خواندند و زکات دادند بگذارید به راه خود بروند که خداوند بخشنده و رحیم است.

تفسیر آیه فوق الذکر در "زندگی محمد" کاملاً مشهود است که به جهت جلوگیری از طولانی شدن کلام، بخشی از آنرا در اینجا شرح میدهیم:

وحی نازل شد و در آن اجازه داده شد که توافق نامه بین پیغمبر و بت پرستان شکسته شود. که کسی نباید باز داشته شود از خانه خدا وقتی او بسوی آن میاید و اینکه نیازی به ترس در ماههای حرام نیست. در آنزمان موافقت هائی بین محمد و قبایل عرب در موارد معینی وجود داشت و وحی راجع به آن بود و راجع به معاند قلمداد کردن کسی که در حمله به تبوک از او بر میگشت (تبوک شهری مسیحی نشین بود که محمد بدانجا حمله کرد و وادارشان نمود تا جزیه بپردازند)... پس در میان این سرزمین در این ۴ ماه سفر کنید و بدانید که از خدا نمیتوانید فرار کنید و خدا بی دینان را شرمسار میکند. .. به بی دینان اطلاع بدهید راجع به مجازات دردناک، مگر بتپرستانی که شما با آنها معاهده بسته اید و اگر یکی از بت پرستانی که به شما دستور داده ام آنها را بکشید، طلب حفاظت کرد به او فرصت دهید تا شاید کلام خدا را بشنود^{۲۸} (ابن اسحق صفحه ۶۱۷-۶۱۹).

²⁸ *Op. cit.*, Ibn Ishaq, p. 617-619.

محمد قرار دادی با تعدادی از قبایل عرب داشت و بعضی ها با او در صلح بودند و برخی با او مخالفت میورزیدند . الله به محمد وحی کرد و به او اجازه داد که پیمانش را بشکند و به آنان حمله کند . دوباره محمد قدرت بدست آورده بود و روشها عوض شد و برای محمد مجاز شمرده شد که دروغ بگوید ،قراردادش را بشکند و علیه مشرکان جنگ به پا کند .

تروریسم اسلام علیه مسلمانانی که اسلام را ترک گفته بودند :

محمد تنها به کشتن کسانی که زیاناً مخالف او بودند اکتفا نمیکرد ، بلکه تعلیم میداد که مسلمینی که اسلام را ترک گفته اند نیز کشته شوند . در اینجا چند نمونه از مجموعه احادیث البخاری آورده میشود و خواننده توجه داشته باشد که حدیث البخاری دومین کتاب مهم اسلام بعد از قرآن میباشد.

عبدالله میگوید : پیامبر خدا گفت : خون یک مسلمان که اقرار میکند هیچکس جز الله حق پرستیده شدن ندارد و اینکه من فرستاده او هستم ، نباید ریخته شود مگر در سه مورد : در قصاص (برابری مجازات برای قتل) ، فرد همسر داری که رابطه جنسی غیر قانونی دارد و کسی که از اسلام برمیگردد(مرتد)^{۲۹} . (البخاری - جلد ۱ - کتاب الدیات بخش ۶ شماره ۱۷).
اکرمه نقل میکند : چند ملحد به نزد علی آورده شدند و او آنها را سوزاند ، خبر این واقعه به ابن عباس رسید و گفت : اگر من در این مکان بودم ، آنها را نمی سوزاندم همانطور که پیامبر خدا منع کرد و گفت : کسی را با مجازات الله (آتش) ، مجازات نکنید . من انها را میکشتم طبق گفته رسول الله " هر کس دین اسلامی خود را عوض کرد او را بکشید"^{۳۰} (الباختری جلد ۴ سنت بر ترک کنندگان اسلام بخش ۲ شماره ۵۷).

علی گفت : هروقت از پیامبر خدا برای شما نقل میکنم به خدا قسم ترجیح میدهم از آسمان بیفتم تا آنکه بیان غلطی را به او نسبت دهم ولی اگر چیزی را

²⁹ Al-Bukhari, *The Translation of the Meaning of Sahih Al-Bukhari*, Translated by M.M. Khan, Dar AHYA Us-Sunnah, Al Nabawiya, (Arabic & English), Vol. IX, Book LXXXIII. *The book of Ad-Diyat* (Blood Money), Chapter 6, No. 17, p. 10-11.

³⁰ *Op. cit.*, Al-Bukhari, Book LXXXIV. *The book of Obliging the Reverters from Islam* (Apostates), Chapter 2, No. 57, p. 45.

که بین من و شماست بگویم (نه حدیث) پس در حقیقت حقه است (ممکن است چیزی بگویم برای فریب دشمن). بدون شک شنیدم پیامبر الله میگفت: در روزهای آخر مردم جوان احمقی پیدا میشوند که بهترین کلمات را بر زبان میاورند ولی ایمانشان از گلویشان فرا تر نمیروند (ایمانشان را ترک خواهند کرد) و از دینشان خارج خواهند شد همانطور که تیر از کمان خارج میشود^{۳۱} پس هر جا آنها را یافتید بکشیدشان چون هرکس آنها را بکشد در روز قیامت پاداش خواهد گرفت (الباختری) نه فقط محمد تعلیم داد که مسلمانان باید کسانی را که اسلام را ترک کرده اند بکشند "هرجا آنها را یافتید" فرا تر نیز تعلیم میدهد، هر مسلمانی که این نوع جنایات را انجام میدهد، خدمت خدا را انجام داده و در روز رستاخیز پاداش خواهد گرفت.

نوشته های اخیر مسلمانان در مورد اسلام و تروریسم:

بسیاری از مسلمانان راجع به دلایل مجاز بودن جنگ نوشته اند. ولی در اسلام، جنگ برای استقرار برتری خدا بر پا میشود^{۳۲} وقتی راههای دیگر برای متقاعد کردن کسانی که اراده او را رد کرده اند شکست بخورد و علیه مقاصد افراد معینی، بکار میروند. بسیار از تحصیل کرده های غرب انگشت اتهام خود را روی برخی از آیه های قرآن گذاشته اند تا استدلال کنند که جهان اسلام در کشمکش جاودانی علیه غیر مسلمانان است، در نظر آنان پاسخ کافی در این زمینه وجود دارد که سرپیچی از خدا بوسیله بنده او، آن بنده را در معرض ریسک گناه خیانت قرار میدهد. در دید قانون اسلام، هر فرد بدنی واحد آفریده شده است پس لازم است که غده سرطانی معیوب برداشته شود، حتی با جراحی (اگر روشهای دیگر معالجه جواب ندهد) تا بقیه بدن حفظ شود^{۳۳}. نویسنده مسلمان بیان میدارد که کسانی که اسلام را رد میکنند مثل غده سرطانی نگریسته میشوند که باید با خشونت در آورده شوند مثلاً کشته شوند و توجه کنید که نویسنده

³¹ *Op. cit.*, Al-Bukhari, Book LXXXIV. *The book of Obliging the Reverters from Islam (Apostates)*, Chapter 6, No. 64, p. 50.

³² Malik, S.K., *The Quranic Concept of War*, First edition, Wajidalis, Lahore, Pakistan, 1979, p. v.

³³ *Ibid*, Malik, p. vii.

مسلمان اساساً با نظر غربیها موافق است که اسلام در نبردی دائمی با غیر مسلمانان است. در نظری به آنچه در الجزایر، پاکستان، افغانستان، ایران، نیجریه و سودان و غیره میگذرد روشن میشود که عکس آن صادق است. در حقیقت اسلام رشد سرطانی دارد و سبب آنهمه مرگ و ترور در دنیا میشود.

تروریسم اسلامی در جهان امروز:

در تعدادی وب سایت، اسناد عملیات و خواسته های بسیاری از گروههای تروریستی اسلامی که در سراسر جهان امروز انجام میدهند، وجود دارد. به عنوان مسلمان حقیقی این افراد از خشونت علیه هرکسی استفاده میکنند که مانع اهداف آنان باشند. یا عقاید مذهبی شان را برنجانند.

انستیتوی مقابله با تروریسم

وزارت داخلی امریکا

اداره مقابله با تروریسم

الگوهای تروریسم جهانی ۱۹۹۹

جین اینتل وب (گزارشهای مصور تروریسم و گزارشهای مصور اداره

جاسوسی)

جنوب آسیا دروازه تروریسم

شبکه اضطراری، مقابله با تروریسم

اسامه بن لادن

اعلان جنگ علیه امریکائی هاییکه در دو مکان مقدس ساکن هستند

مرور:

اغلب مسلمانان تروریست نیستند، بسیاری از آنان اعمال خشونت آمیز برادران مسلمانشان را در گوشه و کنار دنیا محکوم میکنند، متأسفانه از آنجا که اسلام تفوق جهانی را تعلیم میدهد، این مسلمانان میانه رو به ندرت صدای اعتراض خود را بلند میکنند. اگر اسرائیلی ها اردوگاه حزب الله لبنان را بمباران

کنند ، مسلمانان در کشور های غربی تظاهرات محلی ، سازمان می دهند . اسرائیل هرگز به اندازه صدام حسین مسلمان نکشت ولی مسلمانان عملاً چشمان خود را بر روی اعمال خشونت آمیز مسلمان علیه مسلمان میبندند ولی محکوم کردن اعمال تروریستی برادران مسلمان در سودان ، مصر ، الجزایر ، افغانستان یا عراق مثل کشیدن دندان است . درحالیکه مسلمانان جهان بطور مداوم اسرائیل را محکوم میکنند ، مسلمانان کمی صدای اعتراض خود را علیه جنایات جنگی صدام حسین بر ضد کردها بلند میکنند . چرا بن لادن به مردم کرد کمک نکرد در عوض گزارشها نشان میدهد که او با صدام حسین همکاری کرد . از آن گذشته چرا مسلمانان ایران و عراق با عملیات نظامی غربی برای توقف جنایات علیه مسلمین کوزوو مخالفت کردند ، مسلمانان تحریم غرب علیه عراق را محکوم کردند ولی فراموش نمودند که ملت های غربی بودند که وقتی عراق ، کویت را تصرف کرد و تهدیدی علیه عربستان سعودی بود ، ناجی آنها بودند . این کشور های مسلمان به ملت های غیر مسلمان متصل شدند تا کویت مسلمان را از اشغالگر مسلمان ، نجات دهد و پیشروی نظامی عراق به سوی مکه و مدینه را متوقف کنند . اگر کشورهای غربی آنقدر شیطانی هستند ، چرا کویت و عربستان سعودی سرزمین محمد باید به غرب متصل شوند تا آنها را از برادر مسلمانشان محافظت کنند . چرا غیر مسلمان باید جنگ برادران مسلمان را متوقف کند و سرزمین مکه را از صدام حسین حفظ کند هرچند که این وقایع ، واقعیت های تاریخی هستند ، مسلمانان فراموش میکنند و آزادانه درگیری غرب در خاور میانه را به باد انتقاد میگیرند .

آینده اسلام در کشور های غربی چیست ؟

اسلام در آینده برای کشورهای غربی چه ارمغانی دارد ؟ یک چیز مشخص است و آن تروریسم است . من دیدگاه های اسلامی را در جهان غرب مطالعه کرده ام ، خصوصاً در امریکا . اکثریت مسلمانان امروزه ، امریکا را به عنوان آخرین دیوار بزرگ مانع اسلام در نظر میگیرند . به عقیده آنان ، امریکا

باید نابود شود یا به زیر کشیده شود و به هر طریق، این انگیزه شیخ رحمان برای انفجار برجهای نیویورک بود. این محرک مسلمانان سراسر امریکا است تا از روزی سخن بگویند که امریکا به قدرت اسلام به زیر بیفتد، در این مورد تردید نداشته باشید، مسلمانان، امریکائی ها را در امریکا به قتل رساندند و به این کار ادامه خواهند داد. لازم به تاکید است که نظر نویسنده بر این نیست که مسلمانان امریکا تروریست هستند، بسیاری از آنها آدمهای خوبی هستند ولی بذر تروریسم به طور عمیقی در الهیات و تفکر اسلامی کاشته شده است. این الهیات وقتی آزادانه رشد کند و شکوفا شود، خود را در اعمال مسلمانانی نشان میدهد که به الگوی محمد وفادارند. همانطور که در "فیلم بدون دخترم هرگز" نشان داده شد، کسی چه میدانست که یک مسلمان آرام، لیبرال، متعادل تبدیل به یک بنیادگرای اسلامی میشود و خشونت اسلام رادر آغوش میگیرد، اغلب تغییر عجیبی در برخی از مسلمین که در جستجوی مهاجرت به کشورهای غربی هستند، اتفاق میفتد، در آغاز این مسلمانان به مقامات مهاجرت شکایت میکنند از فقدان فرصت ها، حقوق بشر، آزادی مذهب و آزادی فکر در کشور هایشان رنج میبرند. به هر حال پس از آنکه در کشورهای غربی اقامت گزیدند و از آزادیهای آنجا لذت بردند، برضد کشورهای میزبان خود میشوند و شروع به تمجید مزایای اسلام میکنند، نه نظر میرسد که ادعاهای خودشان را درهنگام تقاضای مهاجرت، فراموش کرده اند. شرافتمندانه و البته درستکارانه این بود که برای حقوق انسانی و مذهبی اقلیت غیر مسلمانی که در زیر حکومت اسلامی در رنجند تلاش کنند و اگر حقیقتاً اعتقاد دارند که اسلام، جواب است، چرا در جستجوی اسکان در افغانستان، سودان، عراق، ایران یا پاکستان نیستند.

نتیجه گیری:

محمد برای تحمیل ایدئولوژی خود مردم را مرعوب کرد و به قتل رساند، اعمال او، عملیات آرمانی و مذهبی تروریسم است. از آنجا که مسلمانان به محمد به عنوان منبع الهام و الگوی رفتاری نگاه میکنند، از عملیات تروریستی

اسلامی در زندگی و تعالیم پیامبر خود حمایت میکنند ، امروز مسلمانان ، از آن توجیه استفاده میکنند تا به کسانی که با آنها متفاوتند حمله نموده و آنها را بکشند . به عبارت دیگر وقتی تروریستهای مسلمان اینچنین میکنند ، درحقیقت از روی ایمان پا ، جای محمد میگذارند.

عیسی مسیح قاتلان را محکوم میکند و محمد در این گروه قرار دارد:
سگها در بیرون هستند ، کسانی که جادوگری میکنند ، روابط نامشروع جنسی دارند ، قاتلان ، بت پرستان و هرکس که دنبال هوی نفس است .
(مکاشفه ۱۵: ۲۲).

عیسی مسیح در انجیل یوحنا گفت : که شیطان از آغاز قاتل بود و کسانی که در جستجوی کشتن هستند ، بچه های شیطان میباشند . شما متعلق به چدرتان شیطان میباشید و میخواهید که خواسته های او را به پیش ببرید . او از آغاز جنایتکار بود و حقیقتی با او نبود. وقتی دروغ میگوید ، از ذات خود میگوید چون او دروغگوست و پدر دروغگویان است . (یوحنا ۸: ۴۴). محمد به محض آنکه به قدرت رسید ، شروع به کشتن مردم کرد و امروز فرزندان محمد چنین اعمال پلیدی را انجام میدهند . عیسی مسیح تعلیم داد که روزی مردم مسیحیان را به قتل میرسانند با این تصور که دارند به خدا خدمت میکنند .
(یوحنا ۱۶ : ۲).

در کشورهایی چون ایران ، مسلمانان ، مسلمانان سابق را که مسیحی شده اند به قتل میرسانند و در سایر کشور ها به دیگران حمله کرده و آنان را مورد تهدید قرار میدهند . عیسی مسیح تعلیم داد که پیروانش ، دشمنان خود را دوست داشته باشند و برای کسانی که آزارشان میدهند دعا کنند . مسیح رسولانش را به خارج نفرستاد تا مردم را در تاریکی شب به قتل برسانند اما محمد این کار را کرد.

به مثال مسیح و سامریهای مخالف او توجه کنید :

زمان به آسمان برده شدن او نزدیک شده بود . عیسی به اورشلیم رهسپار شد . پیام آورانش را جلو فرستاد که به دهکده سامری بروند و مقدمات کار را برای ورود او فراهم آورند ولی مردم آنجا پذیرای او نشدند ، چون او به مقصد اورشلیم میرفت . وقتی رسولانش یعقوب و یوحنا این مسئله را دیدند سوال کردند : " خداوندا آیا اجازه میدهی که بخواهیم از آسمان بر سرشان آتش بیاورد و نابودشان کند ؟ جواب داد که نمیدانید که شما چه روحی دارید؟ زیرا پسر انسان برای نابودی زندگی بشر نیامد بلکه امد تا آنرا نجات دهد." مرقس ۹: ۵۶-

۵۱

محمد به پیروانش گفت : به دهکده سامری حمله کنند ، سپس مردم را کشت و تمام اموالشان را غارت کرد .
پس واقعاً چه کسی پیام خدا را مبنی بر عشق او به نوع بشر آورد ؟ چه کسی به راستی صلح را تعلیم داد ؟ مطمئناً این مرد پیامبر خدا نبود . او از همان پیامبران دروغینی بود که مسیح در باره آمدنشان به شاگردان خود هشدار داده بود.

در انجیل متی میخوانیم :

و پیامبران دروغین بسیاری در بین مردم ظاهر خواهند شد و بسیاری از مردم را فریب خواهند داد. (متی ۲۴: ۱۱)

